

از میان زندگی به سینما آمد

درباره احمد احمدپور

و مرگ ناگهانی اش



مسعود شاه‌حسینی

خبرنگار گروه فرهنگ

وقتی عباس کیارستمی به جایی در امامزاده هاشم رفته بود و دید که جمعیتی به تماشای جابه‌جایی بقعه‌یک امامزاده مذهبی ایستاده‌اند، میان‌شان یک پسر بچه را می‌بیند که بیشتر از بقیه نگران است. نگران که نکند بلایی سر بقعه بیاید و آسیب ببیند. بار دیگر که به آنجا رفت، دیگر می‌دانست دنبال چه کسی برای فیلم‌اش باید برگردد. گشته بود و مدرسه احمد و بابک احمدپور را پیدا کرده بود. کیارستمی در خاطره‌ای که از انتخاب بازیگران اولین فیلم بلند بعد از انقلاب‌اش نقل کرده، در مستندی به‌نام «در جاده با کیارستمی»، گفته که به‌نظرش آن‌روز در چهره آن کودک، نگرانی و ترس از عمق وجودش بوده و بعد هم که به‌اتفاق برادر دیگرش، احمد، برای فیلم «خانه دوست کجاست» انتخاب‌شان کرده، بیش از هر چیز در آنها خلوص، صداقت و احساس مسئولیت دیده، صداقتی که فیلم‌را دلنشین ساخت و به یک اعتبار، به مهم‌ترین اثر کیارستمی تبدیل کرد؛ چنان‌که خودش هم گفت، بهترین فیلم‌اش است. حالا یکی از آن دو برادر، احمد احمدپور یا همان محمدرضا نعمت‌پور فیلم، درگذشته است. در جوانی و بر اثر ایست قلبی در خواب. فیلم «خانه دوست کجاست» جوایز بین‌المللی زیادی برد. مثل یوزینگلنقره‌ای لوکارنو و بهترین فیلم فیبریشی، با همین فیلم بود که همه خودمان و جهانیان- با جهان فیلمسازی کیارستمی بیشتر آشنا شدیم. درباره تولد، زندگی و کار و بار احمد احمدپور هیچ چیز نباید گفت. فرصت نکرد زندگی کند که درباره‌اش بنویسیم یا به‌داوری و نقد آثارش بپردازیم. درباره کسی که جوانمرد می‌شود، به اینکه چه کرده و از او چه به‌جا مانده، نباید کاری داشت. درست که در تعدادی از فیلم‌های سینمایی صدابردار و دستیار صدابردار بود، اما مگر مهم‌اند اینها؟ درباره احمد احمدپور اما حکم کلسی دیگری هم واقعاً وجود دارد. او نه با صداقت، سادگی و حجب و حیایش تا همیشه در خاطره جمعی فیلم‌دوستان ایرانی می‌ماند، که نماد یک نسل است؛ نسلی که یک‌بار آمدند، درخشیدند، نماندند و رفتند. مادر فیلم، کودکی را دیدیم که معنای رفاقت و دوستی را در عمیق‌ترین لایه‌های وجودمان نشانند و بیرون رفت. کم‌نیستند بازیگرانی که در یک اثر بدرخشند، به آسمان هفتم برسند و بعد بر زمین بيفتند، اما کم‌باید بازیگرانی که در یک اثر بدرخشند، اما نمانند و بروند. اینکه دیگر کسی سراغی از آنها نگیرد و به شاشیه سینما رانده شوند، بحثی دیگر است با دلایل زیاد. سینما با آن همه جانورگی‌اش، گاه بی‌رحم‌ترین مدیوم هنری است. از یک کودک دانش‌آموز در دل روستایی در شمال ایران که جای معمولی‌ترین و البته شریف‌ترین انسان هاست، چهره‌ای ماندگار می‌سازد اما در عمق، همان قدرت‌را دارد که نادیده‌اش بگیرد، حذف‌اش کند و رهایش سازد. وقتی از احمد احمدپور حرف می‌زنیم، درواقع از همین تناقض حرف می‌زنیم. سینما از او چهره ساخت، اما بازیگر نساخت. فکر می‌کنم میان این‌دو، فاصله‌ای است به اندازه یک عمر تجربه، فرصت و تکرار. در منطق سینما و در شکل حرفه‌ای‌اش، چهره‌شدن و نشانه‌جمعی شدن، ماندگار می‌شود ولی راه، مسیر و آینده از آن بیرون نمی‌آید. احمدپور نشانی خاندن‌دوست را نشان داد، اما نماند. شاید هم خواست که بماند. درست است که همیشه زور سرنوشته بر زندگی چربیده و آدمی را در مسیرش از هزار راه و بیراه به این سو و آن سومی برد، اما واقعیت این است که گاه به‌طرز عجیبی همه چیز خوب درمی‌آید. درباره احمد احمدپور، جز پایان باورنکردنی زندگی‌اش که تلخی ریخت به کام‌مان، فکر می‌کنم او بهتر فهمید که نباید بماند و بگذارد همان محمدرضای دیگر خواه و مسئولیت‌پذیر همیشگی در خاطره جمعی ایرانیان بماند. از نسل بچه‌های آسمان و قصه‌های مجید که هنر را، نه برای شهرت، که برای زیستن در لحظه می‌خواستند. همین هم شد که آمدند، درخشیدند، ردی از خود بر ضمیر جمعی به‌جا گذاشتند و آرام رفتند. او نیز از میانه زندگی به درون سینما آمد، سینما را زندگی کرد و به زندگی، به جایی که به آن تعلق داشت، برگشت. این را هم خودش، هم کیارستمی به‌خوبی می‌دانستند. کافی است نگاه کنید به احترام و منش کیارستمی و یادکرده‌ای نیکی که او همواره از آن دو برادر می‌کرد. نماندن و رفتن احمد احمدپور، شبیه همان سکوت‌های طولانی در فیلم‌های کسی بود که نخستین‌بار دید و کشف‌اش کرد. نه خاموشی بود، نه خداحافظی؛ بلکه حرف بود. می‌دانم که خود احمد احمدپور هم ته قلب‌اش مطمئن است که در قاب سینمای دل ایرانیان، جایش ماندگار است؛ تا همیشه. چه سعادت‌مندند آنان که چنین‌اند.

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیریت اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



نقاشی داستان پرداز

درباره واحد خاکدان چهره‌ای شاخص از نقاشی هایپیررئالیستی ایران که دوروز پیش درگذشت



مهسا طاعتی

خبرنگار گروه فرهنگ

پنج‌شنبه هفته گذشته، واحد خاکدان یکی از برجسته‌ترین نقاش‌های معاصر و چهره شاخص نقاشی هایپیررئالیستی کشورمان در ۷۵ سالگی درگذشت؛ هنرمندی که آثارش، نمونه‌ای درخشان از پیوند میان واقع‌گرایی هنری، تعهد اجتماعی و اندیشه زیباشناسانه در هنر معاصر ایران به‌شمار می‌آیند. او هفتم آذرماه سال ۱۳۲۹ در خانواده‌ای هنری و پر از ذوق و خلاقیت به دنیا آمد. تولد در این خانواده از همان دوران کودکی زمینه‌ساز شکل‌گیری علاقه و استعداد واحد خاکدان در عرصه هنر شد. خاکدان پس از دبیرستان، با علاقه و استعداد فراوان به نقاشی وارد هنرستان هنرهای زیبا شد و در سال ۱۳۵۰ فارغ‌التحصیل شد. سپس در رشته معماری داخلی دانشکده هنرهای تزئینی ادامه‌تحصیل داد و در سال ۱۳۵۴ مدرک کارشناسی خود را دریافت کرد. اولین نمایشگاه انفرادی او در سال ۱۳۵۴ در گالری سیحون تهران برگزار شد و از این زمان به‌بعد مخاطبان بیشتر با آثار و شیوه دقیق و واقع‌گرایانه‌اش آشنا شدند. گفته می‌شود که شیوه نقاشی خاکدان به مکتب هایپیررئالیسم تعلق دارد؛ سبکی که در آن هنرمند با جزئی‌نگری و دقتی عکاسانه، واقعیت را به‌گونه‌ای بر بوم بازنمایی می‌کند که مرز میان تصویر و حقیقت در آن از بین می‌رود. آثار واحد خاکدان ترکیبی از دقت فنی، نگاه شاعرانه و حساسیت اجتماعی است.

▼ نقاشی میان خیال و واقعیت

جان‌بخشی به اشیاء ساده روزمره، بازنمایی واقعیت و نهفتن آن در راز و خیال، از جمله ویژگی‌های برجسته نقاشی‌های خاکدان است. به‌همین دلیل آثارش را هم‌زمان، هم مستندگونه و واقعی، هم دارای حال‌وهوایی تأمل‌برانگیز و فلسفی توصیف می‌کنند. واقع‌گرایی در آثار خاکدان، پس از تحولات سال ۱۳۵۷ بیشتر شد و رنگ‌بوی اجتماعی گرفت. او در این دوره، به مسائل روز جامعه، دغدغه‌های مردم و تحولات فرهنگی و سیاسی پرداخت.



حسین گنجی، منتقد هنری درباره هنرمندی خاکدان میان عینیت و خیال به هم‌میهن توضیح داد: «واحد خاکدان را باید یکی از معدود نقاش‌هایی دانست که توانست مفهوم «روایت» را به زبان تصویری هنر معاصر ایران ترجمه کند. او نصرفاً نقاشی واقع‌گرا بود، نه پیرو مدرنیسم صوری، بلکه هنرمندی میان این دو جهان بود؛ میان عینیت و خیال، میان سکوت و روایت. در جهانی که اغلب نقاشی‌های ایرانی در بیان احساس یا تزئینات بصری متوقف مانده است، خاکدان نقاشی را به قلمرو داستان و حافظه کشاند. او از اشیاء متروک، از عروسک‌های کهنه، چمدان‌ها و بخاری‌های زنگ‌زده، نعتن‌ها تصویر، بلکه معنا ساخت. هر شیء در آثارش به نشانه‌ای از هویت و حافظه جمعی بدل می‌شود.» به اعتقاد این منتقد هنری، در هنر معاصر ایران، خاکدان را باید «نقاش داستان‌پرداز» دانست؛ هنرمندی که نقاشی را به زبان روایت بدل کرد. گنجی درباره اثر مهارت خاکدان گفت: «در ترکیب‌بندی‌های او، اشیاء گفت‌وگومی می‌کنند، نور و سایه نقش شخصیت دارند و سکوت هولناک در آثارش به صحنه‌ی درام تبدیل می‌شود. تجربه‌ی سال‌ها طراحی صحنه در تئاتر، به او قدرتی در روایت بخشید. هر تابلو، پلان یا سکانسی از یک‌قصه است.» از نظر این منتقد، اهمیت واحد خاکدان در این است که نقاشی را از سطح زیباشناسی صرف، به سطح «یادسپاری» رساند. او نقاش اشیاء ساده و بی‌صدا بود، اما با همین اشیاء بی‌ادعا، تاریخ پنهان یک جامعه را بازگو کرد. هر قاب او، یادداشتی تصویری از آن چیزی است که فراموش کرده‌ایم؛ از خانه، از زمان و از خودمان. از همه آن چیزهای که فکر کردیم دورریختنی است و او همه آنها را مثل تصویری از یک انباری، احضار کرد.

▼ هنر نقد مهاجرت

واحد خاکدان در سال ۱۳۶۳ به آلمان مهاجرت کرد و زندگی هنری خود را در خارج از کشور ادامه داد. او در شهر اوپراهوزن، نخستین آتلیه‌ی خود را تأسیس کرد و فعالیت‌های هنری‌اش را در محیطی تازه از سر گرفت. هرچند برخی این دوران را به‌دلیل تعامل با نهادهای فرهنگی و هنری و نمایش آثارش در کشورهای مختلف، نقطه‌عطفی در کارنامه‌ی حرفه‌ای او می‌دانند، اما برخی دیگر فعالیت‌های سال‌های اخیر خاکدان در کشور را نقطه‌عطف فعالیت‌های هنری او می‌دانند.



شهرزاد نظری، منتقد هنری، در گفت‌وگو با هم‌میهن دراین‌باره بیان کرد: «نمایش رسمی آثار خاکدان اولین‌بار از طریق معصومه سیحون اتفاق افتاد. آثار ابتدایی او بیشتر کوبیسم و سورئالیستی بودند که در فضای هنری ایران در آن دوران چندان شناخته‌شده نبودند. او سال ۱۳۶۳ مهاجرت کرد و از اواسط دهه ۸۰، آثارش دوباره در گالری‌های داخل کشور به نمایش گذاشته شد. در آن‌زمان مجموعه‌دارهای هنری، چندان شناختی از واحد خاکدان نداشتند.

همسویبودن با مدرنیست‌ها و رویکرد متفاوت او به نقاشی موجب شد تا مخاطبان و اهالی هنر، بعد از میانسالی با او و آثارش آشنا شوند.» از نظر این منتقد هنری، مخاطبان و فعالان هنری در دوده‌ه اخیر متوجه اهمیت و تمایز واحد خاکدان و آثارش شدند. نظری دراین‌خصوص توضیح داد: «هرچند آثار خاکدان در سال‌های اخیر به‌عنوان هنر مهاجرت شناخته می‌شود، اما در این‌دوران به‌عنوان آخرین مدرنیست در حوزه هنر و نقاشی به او توجه شد. حتی خیلی‌ها به خاکدان، نقاش هایپیررئالیستی می‌گویند، اما از نظر من او هایپیررئالیست نبود؛ بلکه در آثارش نوعی از بازنمایی وجود داشت که برای ایرانی‌ها برخلاف غربی‌ها، تازه و جذاب بود.» او همچنین به مفهوم مهاجرت در آثار خاکدان اشاره و بیان کرد: «یکی از موضوعات محوری در آثار او، مفهوم مهاجرت است. چمدان مهاجر بود و این تجربه زیسته، در آثارش به‌خوبی انعکاس یافته است. چمدان‌ها، نامه‌ها، عروسک‌ها و اسب‌های چوبی در تابلوهای او نمادهایی از غربت، جابه‌جایی و دل‌تنگی‌اند. در زمانی که مهاجرت، امری عادی و حتی مطلوب تلقی می‌شد، خاکدان با نگاهی نقادانه و صادقانه، سویه‌تلخ و آسیب‌زای آن را در آثارش به‌تصویر کشید.» به گفته این منتقد هنری، آثار واحد خاکدان در فرآیند تکوین هویت ایرانی و هنری معاصر تأثیرگذار بوده است. از نظر او، خاکدان نگاه و رویکرد متفاوتی به مفهوم مهاجرت داشت و این مفهوم را در آثارش نقد می‌کرد. شهرزاد نظری معتقد است که واحد خاکدان از نظر تکنیکی، در نقاشی تبحر چشمگیری داشت و با کلیت هنر مدرن ایرانی، رویکرد متقابل و جدیدی داشت. همین تفاوت‌های او موجب شد تا فضای هنری ایران متمایز باشد. البته فعالیت هنری واحد خاکدان در عمر ۷۵ ساله او، فقط به نقاشی محدود نبوده؛ بلکه به طراحی صحنه، لباس و عروسک برای تئاتر و تلویزیون نیز پرداخته است. پدر خاکدان، ولی‌الله خاکدان، طراح نامدار دکور سینمای ایران است که او را با نگاه سینمایی و فضاسازانه آشنا کرد. از جمله آثار واحد خاکدان در این‌زمینه می‌توان به طراحی عروسک برای نمایش «لوپای سحرآمیز» به کارگردانی اردشیر کشمکوز (تئاتر شهر، ۱۳۵۹)، طراحی صحنه، لباس و ماسک برای نمایش «اسب‌زه‌دوست بچه‌ها» به کارگردانی رضا نایان (تئاتر شهر، ۱۳۶۱) و طراحی صحنه و عروسک برای نمایش تلویزیونی «قصه کرم شبتاب» (۱۳۶۲) اشاره کرد. خاکدان در حوزه تصویرسازی کتاب‌های کودک و نوجوان نیز حضوری فعال و مؤثر داشته است. بین سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۹، بیش از ۴۰ تصویرسازی برای کتاب‌های مختلف خلق کرد و با چندین ناشر در ایران، آلمان، سوئیس و اتریش همکاری داشت. این بخش از فعالیت‌های او نشان می‌دهد که نگاه‌اش به هنر، محدود به نقاشی گالری‌ها و تابلوهای زینتی نبوده؛ بلکه در پی ارتباطی عمیق‌تر و گسترده‌تر با مخاطبان به‌ویژه نسل جوان و کودکان هم بوده است. در مجموع واحد خاکدان را می‌توان هنرمندی معرفی کرد که میان واقعیت و رویا، میان ایران و غربت و میان خاطره و تصویر حرکت کرده و با زبان رنگ و فرم، تعریف جدیدی از هنر و هویت معاصر ایرانی ارائه کرده است.

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

گزارش ورزشی

نتیجه دعوی بی‌حاصل

بررسی مدال‌های ازدست‌رفته در روز نخست مسابقات قهرمانی جهان تکواندو که با حذف کیانی و سلیمی همراه شد



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

حواشی تکواندوی ایران بعد از المپیک ۲۰۲۴ باعث شد تا دو ورزشکار اصلی ایران که شانس بسیار بالایی برای کسب مدال طلا در اوزان خود در کشور چین داشتند خیلی زود با شکست مقابل رقبای خود از گردونه رقابت‌ها حذف شوند. ناهید کیانی که سابقه قهرمانی جهان و مدال نقره المپیک اخیر را در کارنامه خود دارد، به‌جای کار کردن روی نقاط ضعف خود و تقویت نقاط قوت فنی خود، طی یک‌سال اخیر با مبینا نعمت‌زاده وارد چالش و دعوا شد و در نتیجه تمرکز خود را از دست‌داد تا در مسابقات جهانی، نتیجه همین بی‌تمرکزی را با حذف زودهنگام بگیرد. از سوی دیگر آرین سلیمی که تازه در ابتدای راه است، توانست انگیزه المپیکی خود را در این مسابقات حفظ کند و شاید حضور پیاپی او در برنامه‌های زنده تلویزیونی باعث شد تا او تصور کند، کار بزرگ او قرار نیست ادامه‌دار باشد و همانند کیانی خیلی زود از مسابقات جهانی کنار رفت. در این گزارش قصد داریم از عملکرد تکواندوکاران ایران در روز نخست مسابقات جهانی این رشته در چین بنویسیم.

▼ حذف عجیب کیانی

ناهید کیانی بیش از سه‌ماه تلاش کرد تا رضایت اعضای کادر فنی را برای حضور در وزن منفی ۵۳ کیلوگرم جلب کند، اما با توجه به حضور مبینا نعمت‌زاده در این وزن که از ۴۹ به ۵۳ کیلوگرم رسیده بود، کادر فنی تر جیح داد تا باتوجه به شلوغی این وزن، کیانی برای کسب مدال در وزن منفی ۵۷ کیلوگرم شانس خود را امتحان کند. همان وزنی که در آن، در مسابقات قهرمانی جهان طلایی شده بود. کیانی با کوله‌باری از تجربه اکثر مدال‌های مهم بین‌المللی را در کارنامه دارد و در تلاش بود تا دومین نشان طلای خود را این‌بار در چین به‌دست بیاورد. روز اول برای ایران با شکو‌های پیاپی همراه شد. ناهید کیانی، نماینده وزن ۵۷- کیلوگرم ایران و دارنده مدال‌های طلای جهان ۲۰۲۳ و نقره المپیک ۲۰۲۴ که یکی از امیدهای اصلی ایران برای کسب مدال در این رویداد بود، بعد از اینکه توانست حریف اوکراینی خود را در دور اول شکست دهد، در دور یک‌هشتم نهایی مقابل فیث دایلون از آمریکا، ناباورانه تا نتیجه دو بر صفر شکست خورد. کیانی در تایم اول با حساب پنج بر یک شکست خورد و در تایم دوم نیز چهار بر سه باخت تا پایانی زودهنگام با این رقابت‌های مهم داشته‌باشد. آمریکایی‌ها در ترکیب تیم خود مجدداً به دایلون با تجربه اعتماد کردند. او دو مدال نقره و برنز گرندپری را در کارنامه دارد و در سطح پان آمریکن نیز دو مدال برنز تصاحب کرده است. یکبار در المپیک و دو بار در جهانی حاضر شده که توفیقی در کسب مدال نداشته است، اما اخیراً در هر دو چالش گرندپری موجو و آمریکا، دو نشان برنز دریافت کرد و نشان داد همان فیث دایلون با تجربه گذشته است. کیانی که در ماه‌های اخیر چالش‌های زیادی به‌خاطر تغییر وزن مبینا نعمت‌زاده داشت و در نهایت در همان وزن المپیکی خود روی شیاپچانگ رفت، خیلی زود از دور مسابقات حذف شد و حالا بعد از سه‌سال، بار دیگر باید با دست خالی به ایران بازگردد.

▼ تیر خلاص سلیمی

اما دقایقی از حذف ناهید کیانی نگذشته بود که آرین سلیمی، دارنده مدال طلای المپیک در وزن ۸۷+ کیلوگرم در مرحله یک‌هشتم نهایی روی شیاپچانگ رفت. سلیمی که در دور اول استراحت داشت و در دور دوم دنیل از کوپا را شکست داده بود، مقابل هاربر از اوکراین با نتیجه ۱-۲ در مرحله یک‌هشتم نهایی شکست خورد و حذف شد. این شکست در حالی رقم خورد که حریف اوکراینی او عنوان خاصی هم در کارنامه‌اش نداشت. حذف دو تکواندوکار مطرح ایران که طلا و نقره المپیک پاریس را در سال گذشته در کارنامه داشتند، شاید بدترین شروع ممکن را برای تکواندوی ایران در مسابقات جهانی رقم زد.

▼ مبینا جبران می‌کند؟

مبینا نعمت‌زاده که طی یک‌سال اخیر دو بار مقابل ناهید کیانی مبارزه کرد و پیروز شد، این‌بار از وزن منفی ۴۹ به منفی ۵۳ کیلوگرم آمده و با وجود شلوغی ورزشکار در این وزن، اما کادر فنی می‌گوید که او می‌تواند بار دیگر مدال آور باشد. یکی از سنتی‌ترین و البته اصلی‌ترین رقبای نعمت‌زاده در قهرمانی جهان «دنیا ابوطالب» از عربستان به‌شمار می‌رود که برنز جهانی مکزیک را هم به‌دست‌آورده است. «دنیا» و مبینا، رقابت‌های بسیاری را با یکدیگر برگزار کرده‌اند و یکی از تماشایی‌ترین آن‌ها، دیدار کسب نشان برنز نعمت‌زاده برابر دنیا بود که با پیروزی تاریخی نماینده کشورمان همراه شد. ابوطالب گرچه در رویارویی‌های تن‌به‌تن برابر نعمت‌زاده باخته، اما در رقابت‌های آزاد فجیره، نماینده ایران را شکست داد. باید دید که بحران در روز نخست، توسط مبینا نعمت‌زاده به باد فراموشی سپرده می‌شود یا خیر؟